



تنهائی ماه

در تمام طول تاریکی
سیرسیرکها فریاد زدند :
«ماه، ای ماه بزرگ ...»

در تمام طول تاریکی
شاخه ها با آن دستان دراز
که از آنها آهی شهوتناک
سوی بالا میرفت
و نسیم تسلیم
به فرامین خدایانی نشناخته و مرموز
و هزاران نفس پنهان، در زندگی مخفی خاک
و در آن دایره سیار نورانی ، شبتاب
دقدقه در سقف چوبین
لیلی در پرده
غوکها در مرداب
همه با هم، همه با هم یکریز
تا سپیده دم فریاد زدند :
«ماه ، ای ماه بزرگ ...»

در تمام طول تاریکی
ماه در مهتابی شعله کشید
ماه
دل تنهائی شب خود بود
داشت در بغض طلانی رنگش میترکید

فروغ فرخزاد